

## بررسی رابطه رضایت‌مندی زناشویی با باورهای ارتباطی و انتظارات غیرمنطقی زوجین

گلناز شایسته\*، دکتر علی صاحبی\*\*، دکتر احمد علیپور\*\*\*

### چکیده:

در این مطالعه ۵۰ زوج ایرانی مقیم استرالیا و کانادا مورد پژوهش قرار گرفتند. شرکت‌کنندگان با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و به‌طور داوطلب در این آزمون شرکت کردند. تمامی شرکت‌کنندگان به آزمون‌های شاخص رضایت‌مندی زناشویی (DAS)، پرسشنامه باورهای ارتباطی (اپستین، ۱۹۹۲)، مقیاس انتظارات غیرمنطقی (صاحبی، ۲۰۰۵) پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که رضایت‌مندی زناشویی و متغیرهای شناختی با یکدیگر همبستگی دارند. ضریب همبستگی بین رضایت‌مندی زناشویی و باور ارتباطی «عدم توافق تخریب‌گر است» ۰/۴۲، «ذهن‌خوانی» ۰/۲۳، «همسر نمی‌تواند تغییر کند» ۰/۵۹، «کمال‌گرایی جنسی» ۰/۳۲ و «زن و مرد اساساً متفاوتند» ۰/۱۲ بدست آمد. ضریب همبستگی بین رضایت‌مندی زناشویی و انتظارات غیرمنطقی از ازدواج ۰/۲۵ بدست آمد. برای محاسبه سهم این عوامل در پیش‌بینی واریانس‌های رضایت‌مندی زناشویی، رگرسیون خطی و هم‌چنین برای بررسی سهم تک‌تک این عوامل در برآورد واریانس‌های رضایت‌مندی زناشویی از رگرسیون سلسله‌مراتبی استفاده شد. یافته‌های بدست آمده نشان داد که تمامی عوامل شناختی روی هم رفته ۴۴٪ واریانس‌های رضایت‌مندی زناشویی را تبیین می‌کنند که از این میان ۴۱٪ سهم دو باور ارتباطی «عدم توافق تخریب‌گر است» (۰/۱۹) و «همسر نمی‌تواند تغییر کند» (۰/۲۲) بوده، دیگر متغیرها کمتر از ۲٪ واریانس‌های این متغیر را پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های این پژوهش در آموزش شناختی همسران و اصلاح باورهای ناکارآمد آن‌ها می‌تواند به‌کار گرفته شود.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت‌مندی زناشویی، باورهای ارتباطی، ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی، عدم توافق تخریب‌گر است، انتظارات غیرمنطقی، نگرش به ازدواج.

\*کارشناس ارشد روان‌شناسی

\*\* استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه فردوسی مشهد

\*\*\* استادیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

✉ نویسنده مسئول: مشهد - میدان آزادی - کوی دانشگاه فردوسی - دانشگاه فردوسی مشهد - گروه روان‌شناسی

تلفن: ۵۱۱ - ۸۷۸۳۰۰۸

دورنما: ۵۱۱ - ۸۷۸۳۰۱۲

پست الکترونیک: asahebi2000@yahoo.com.au

## مقدمه

ازدواج، پدیده‌ای است که می‌تواند باعث آرامش و سلامت روانی زن و مرد گردد، در عین حال می‌تواند به جایی برسد که به جای تأمین انرژی روانی زوجین، انرژی زیادی از آنان گرفته، باعث بروز انواع اختلالات روانی گردد. در این صورت، تنها دو راه حل برای زوج در مانده، باقی خواهد ماند: اول این‌که گرچه زندگی زناشویی آن‌ها، آکنده از آشفتگی‌هاست، آن را تحمل کنند و دومین راه حل، طلاق است. راهی که در سال‌های اخیر، درصد زیادی از افراد، آن را برمی‌گزینند.

طلاق، منشأ بروز آسیب‌های اجتماعی فراوانی است. در سال‌های اخیر، شاهد افزایش نرخ طلاق و کاهش طول ازدواج بوده‌ایم، به طوری که ۲۰ الی ۲۵٪ ازدواج‌ها در تهران به طلاق می‌انجامد. از جمله دلایل اصلی بروز طلاق عبارتند از: فقدان تفاهم شخصیتی و ناهمسانی‌های فرهنگی و اجتماعی (گریفین، هنمر و موری، ۱۹۹۰)، مطلوب نبودن فرایند همسریابی (صیادپور، ۱۳۸۴)، نارضایتی‌های جنسی، فقدان آموزش در خصوص مهارت‌های زندگی (آولانو و مارکمن، ۱۹۹۵)، عدم سازگاری سبک‌های دلبستگی زوجین، باورها و نگرش‌های ناکارآمد و انتظارات غیرمنطقی از ازدواج (السون و همکاران، ۲۰۰۰).

الیس (۱۹۵۵) معتقد است که نگرش‌ها و تصورات غیرمنطقی افراد می‌تواند در ایجاد رابطه عاطفی ناکارآمد نقش به‌سزایی ایفا نماید. از دیدگاه روان‌شناسان شناختی (برنز، ۱۹۹۷؛ بک، ۱۹۹۵؛ ایس، ۱۹۷۷) ریشه بسیاری از سوءتفاهمات زندگی زناشویی، در اندیشه‌های تعصب‌آمیز و غیرمنطقی زوج‌هاست.

به‌طور کلی از دیدگاه رویکرد شناختی یا روان‌شناسان شناختی، چند عامل بر ساختار کانون ازدواج اثر مستقیم و مهم دارند که عبارتند از: شخصیت طرفین در ازدواج، سبک‌های دلبستگی زن و مرد، هماهنگی و همسانی نیازهای بنیادین زوجین، باورهای ارتباطی، انتظارات غیر منطقی از یکدیگر. پژوهش‌های اخیر توسط شناخت‌گرایان و زوج درمانگران شناختی تأکید دارند که از میان تمام عوامل، متغیرهای شناختی در رضایت‌مندی و سازگاری زناشویی نقش مهمی ایفا می‌کنند. از میان متغیرهای شناختی باورهای ارتباطی با دو مؤلفه مفروضه‌ها و معیارهای ذهنی نقش مهمی در پدیدآیی، ساخت و تحول رابطه زناشویی دارند.

اما تاکنون هیچ مطالعه‌ای ساختار و سهم این مفروضه‌ها و معیارها را در فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار نداده است. از این‌رو این پژوهش به دنبال بررسی باورهای ارتباطی و انتظارات غیرمنطقی زوجین ایرانی و نقش آن‌ها در سازگاری/ ناسازگاری زناشویی است. قصد این پژوهش به‌طور ویژه مقایسه تعدادی از مفروضه‌ها و استانداردها در زوجین سازگار و ناسازگار ایرانی است.

این پژوهش برای دو قشر کاربرد عمده‌ای دارد: اول برای افرادی که در شرف ازدواجند و دوم برای زوج‌هایی که در معرض طلاق هستند. بدست آوردن میزان تفاهم شخصیتی زوج، از یک‌سو

امکان مطلوبیت بخشیدن به فرایند همسریابی را فراهم می‌آورد، یعنی با آگاهی دادن به زوجی که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند، در زمینه علل احتمالی عدم تفاهم در زندگی زناشویی، حیطه یا حیطه‌هایی که زوج باید در آن راستا، آمادگی‌های لازم برای تطابق با یکدیگر را کسب کنند، مشخص می‌شود؛ از سوی دیگر بدست آوردن حیطه‌های عدم تفاهم شخصیتی، برای زوج‌هایی که تا مرز طلاق پیش رفته‌اند، امکان دادن آگاهی به زوج نسبت به تفاوت‌های شخصیتی خود، هم‌چنین امکان گرفتن آموزش مهارت‌های ویژه برای بالا بردن کیفیت زندگی زناشویی آنان را فراهم ساخته، زوج از خدمات مناسب مشاوره‌ای قبل از طلاق بهره‌مند خواهند شد. در نهایت هر دو کاربرد، موجب می‌شود زوج‌ها از زندگی زناشویی خود رضایت بیشتری داشته و در نتیجه از میزان بروز طلاق کاسته شود.

از این‌رو انجام پژوهشی جهت شناسایی عوامل شناختی - رفتاری دخیل در سازگاری و رضایت‌مندی زناشویی ضروری به نظر می‌رسد. اگرچه تاکنون در ایران پژوهش‌های بسیاری پیرامون عوامل اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دخیل در طلاق انجام شده است، اما تاکنون پژوهشی به‌طور مشخص نقش عوامل شناختی مهمی چون «باورهای ارتباطی» و «انتظارات غیرمنطقی» زوجین را در رضایت‌مندی یا نارضايت‌مندی زناشویی بررسی نکرده است. از این‌رو پژوهش حاضر قصد دارد نقش وجود «باورهای ارتباطی خاص» و «انتظارات غیرمنطقی» را در میزان رضایت‌مندی (خشنودی) زناشویی مورد ارزیابی قرار دهد.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. در این نوع تحقیق پژوهشگر قصد دستکاری متغیرهای مورد نظر را ندارد و روابط علت و معلولی را تبیین نمی‌کند، بلکه تنها به توصیف چگونگی انتظارات و باورهای ارتباطی افراد و تأثیر آن‌ها بر سازگاری زناشویی آن‌ها می‌پردازد. در این مطالعه ۵۰ زوج (۱۰۰ نفر) در گروه‌های سنی مختلف شرکت داشته‌اند. جامعه آماری کلیه متأهلین ایرانی باسواد مقیم سیدنی (استرالیا) و کلگری (کانادا) بودند. به دلیل مشکلات و محدودیت‌های پژوهشگر در دسترسی به زوجین، نمونه‌گیری به صورت در دسترس انجام شد. پژوهشگر در اجتماعات ایرانیان حضور یافته با توضیح هدف پژوهشی خود از آنان درخواست نموده تا در صورت تمایل به‌طور کاملاً گمنام (بدون نیاز به ذکر نام، شغل و یا میزان تحصیلات) در این پژوهش شرکت کنند. پس از موافقت یک زوج برای شرکت در پژوهش، ابتدا درباره پژوهش و اهداف آن توضیح مختصری داده شد، سپس از هر زوج خواسته شد که به‌صورت جداگانه سه پرسشنامه مورد نظر را پاسخ دهند و تأکید شد که به هنگام پاسخ‌گویی به پرسش‌ها با یکدیگر تبادل نظر نکنند. هم‌چنین تأکید شد که اطلاعات آنان کاملاً محرمانه خواهد ماند.

در این نمونه‌گیری سعی شد تا جای ممکن زوجین در مقاطع سنی مختلف و سطوح تحصیلات مختلف باشند. پرسشنامه‌های تکمیل شده در همان جلسه یا در مراجعه بعدی جمع‌آوری شد. اگر زوجی به‌طور ناقص به سؤالات جواب داده و یا تستی تنها توسط یکی از زوجین پر شده بود، زوج مورد نظر از نمونه پژوهشی حذف شد.

### ابزارهای اندازه‌گیری

**مقیاس سازگاری زن و شوهر<sup>۱</sup>:** مقیاس سازگاری زن و شوهر (اسپانی<sup>۲</sup>، ۱۹۷۶) ابزاری است که به صورت وسیعی در پژوهش‌های زوجین مورد استفاده قرار گرفته است (اپستین، چن و بایدرکامیجو، ۲۰۰۵). این مقیاس یک ابزار ۳۲ سؤالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می‌کنند. این ابزار برای چند هدف ساخته شده است. می‌توان با بدست آوردن کل نمرات، از این ابزار برای اندازه‌گیری رضایت کلی در یک رابطه صمیمانه استفاده کرد. تحلیل عاملی نشان می‌دهد که این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد. این چهار بعد از این قرار است: رضایت دو نفری<sup>۳</sup>، همبستگی دو نفری<sup>۴</sup>، توافق دو نفری<sup>۵</sup> و ابراز محبت<sup>۶</sup> (ثنایی، ۱۳۷۹).

مقیاس سازگاری زن و شوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه‌بندی بدست می‌دهد. نمره کل مجموع تمام سؤالات بین صفر تا ۱۵۱ است. نمرات بالاتر نشان‌دهنده رابطه بهتر است.

اعتبار<sup>۷</sup> این مقیاس به این شرح است: نمره کل مقیاس با آلفای کرونباخ ۰/۹۶ از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است: رضایت دو نفری = ۰/۹۴، همبستگی دو نفری = ۰/۸۱، توافق دو نفری = ۰/۹۰ و ابراز محبت = ۰/۷۳ (ثنایی، ۱۳۷۹، برازنده، ۱۳۸۴).

این مقیاس ابتدا با روش‌های منطقی روایی محتوا چک شد. مقیاس سازگاری زن و شوهر با قدرت تمیز دادن زوج‌های متأهل و مطلقه در هر سؤال، روایی خود را برای گروه‌های شناخته شده، نشان داده است. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است، و با «مقیاس رضایت زناشویی لاک والاس» همبستگی دارد (ثنایی، ۱۳۷۹).

نمره میانگین کل «مقیاس سازگاری زن و شوهر» برای افراد متأهل ۱۱۴/۸ و انحراف معیار آن ۱۷/۸ بوده است. نمره میانگین برای گروه مطلقه‌ها ۷۰/۷ و انحراف معیار آن ۲۳/۸ گزارش شده است (برازنده، ۱۳۸۴).

**مقیاس باورهای ارتباطی:** مقیاس باورهای ارتباطی ۶۰ سؤالی، اولین بار توسط اپستین و ایدلسون (۱۹۸۲) ساخته شد. بعد از پاره‌ای تغییرات، سازندگان این مقیاس با حذف پاره‌ای از سؤالات، نسخه

۴۰ سؤالی آن را در سال ۱۹۹۰، تدوین کردند. در این مطالعه پرسشنامه ۴۰ سؤالی مورد استفاده قرار گرفته است که هر سؤال در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود.

این مقیاس، ۵ باور ارتباطی ناکارآمد (سه مفروضه و دو استاندارد) را می‌سنجد: عدم توافق برای یک رابطه تخریب‌گر است (مفروضه)، همسران باید بتوانند ذهن یا احساسات همدیگر را بدون بیان شفاهی بخوانند (استاندارد)، همسر نمی‌تواند خودش و رابطه‌مان را تغییر دهد (مفروضه)، کمال‌گرایی جنسی (استاندارد)، مردان و زنان، شخصیت‌ها و نیازهای ارتباطی اساساً متفاوتی دارند (مفروضه). نمره کلی بالاتر این مقیاس بیانگر باورهای ناکارآمد بیشتر است (بردبوری و فینچام، ۱۹۹۳).

برای نمره‌گذاری ابتدا سؤالات هر خرده مقیاس جداگانه بدست آمد، از آن جایی که نقطه برش این تست ۱۶+۲ بود. اگر نمره فرد بین ۱۴ و ۱۸ باشد فرد زمینه بروز آن باور را دارد اما آن باور را ندارد. هرچه نمره فرد کمتر باشد بهتر است و بالعکس.

ضریب آلفای پنج زیر مقیاس این تست در دامنه ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ می‌باشد (صاحبی و همکاران، ۱۳۸۲).

روایی این مقیاس با داده‌های مختلف مورد حمایت قرار گرفته است. این داده‌ها دلالت دارد بر این که نمرات بالاتر این مقیاس با سطوح پایین‌تر رضایت‌مندی زناشویی رابطه دارد. همچنین سه زیر مقیاس آن در یک نمونه جویای زوج‌درمانی، با بدبینی در مورد نتیجه درمان و با تمایل به خاتمه ارتباط زناشویی همبستگی معنادار داشت (بردبوری و فینچام، ۱۹۹۳).

این مقیاس در دانشگاه فردوسی در پژوهشی توسط صاحبی و همکاران (۱۳۸۲) با روش آلفای کرونباخ اعتباریابی شده و به ترتیب ذکر شده در جدول ۱ گزارش شده است: پایایی آن نیز با روش آزمون، آزمون مجدد ۰/۸۱ گزارش شده است.

جدول ۱: آلفای کرونباخ اعتباریابی شده مقیاس باورهای ارتباطی

در پژوهش صاحبی و همکاران (۱۳۸۲)

خرده مقیاس	عدم توافق تخریب‌گر	ذهن خوانی	تغییر نابدیری همسر	کمال‌گرایی جنسی	زن و مرد اساساً متفاوتند
	۰/۸۵	۰/۷۶	۰/۷۲	۰/۶۳	۰/۵۶

**آزمون نگرش به ازدواج:** این آزمون برای اولین بار توسط دکتر صاحبی (۱۳۸۲) بر اساس سازه‌های شناختی انتظارات غیرمنطقی از ازدواج ساخته شد. آزمون دارای ۱۰ عبارت یا گویه است که انتظارات غیرمنطقی و برداشت‌های نواقح‌گرایانه افراد از رابطه مشترک زناشویی را مورد سنجش قرار

می‌دهد. افراد می‌توانند در آن نمره صفر (عدم وجود هر نوع انتظار غیرمنطقی) و نمره ۱۰ (انتظارات غیرمنطقی) دریافت کنند.

روایی این آزمون در مطالعه‌ای بر روی نمونه ایرانی در دانشگاه فردوسی (صاحبی و همکاران، ۱۳۸۲) و همچنین در مطالعه دیگری با ایرانیان مقیم سیدنی مورد حمایت قرار گرفته است. این مقیاس با روش آلفای کرونباخ اعتباریابی شده و به این ترتیب گزارش شده است: نمره‌های افراد در این آزمون با نمره‌های آنان در مقیاس رضایت زناشویی در سطح  $0/70$  - همبستگی منفی نشان داده است. این داده‌ها دلالت دارد بر این‌که نمرات بالاتر این مقیاس با سطوح پایین‌تر رضایت‌مندی زناشویی رابطه دارد. پایایی این آزمون با روش آزمون، آزمون مجدد  $0/88$  گزارش شده است (صاحبی و همکاران، ۱۳۸۲).

### یافته‌ها

در این مطالعه ۵۰ زوج مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های بدست آمده از آزمودنی‌ها در مرحله نخست مورد بررسی قرار گرفت و قبل از انجام تحلیل، ۵ آزمودنی به دلیل پاسخ ندادن به تمام پرسش‌ها از نمونه کنار گذاشته شدند. هر ۵ آزمودنی زن بودند، بنابراین تحلیل آماری بر روی ۹۵ نفر انجام گرفته است. همان‌طور که در جدول ۲ آمده، میانگین سن ازدواج در مردان ۸ ماه بیشتر از میانگین سن زنان است و میانگین زنان و مردان در متغیرهای شناختی نیز در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: توصیف داده‌ها در نمونه کلی

کل نمونه		مرد		زن		خرده مقیاس
انحراف استاندارد	میانگین (تعداد ۹۵)	انحراف استاندارد	میانگین (تعداد ۵۰)	انحراف استاندارد	میانگین (تعداد ۴۵)	
۷/۲	۳۹/۴	۸/۷	۳۸	۴/۸	۴۱	رضایت زناشویی
۱۷	۲۸/۹	۱۷	۲۷/۹	۱۷	۳۰	همبستگی دو نفری
۱۴/۸	۲۸/۸	۱۴/۸	۲۸/۳	۱۵	۲۹/۳	توافق دو نفری
۴/۹	۱۴/۴	۵	۱۴	۴/۸	۱۴/۷	ابراز محبت
۲/۴	۶	۲/۵	۶/۵	۲/۲	۵/۶	انتظارات غیرمنطقی
۷	۱۵/۴	۶/۵	۱۴/۹	۷/۷	۱۵/۹	عدم توافق تخریب‌گرا
۷/۳	۱۷/۹	۷	۱۹/۵	۷/۲	۱۶/۲	انتظار ذهن‌خوانی
۷/۳	۱۴/۸	۸/۸	۱۵/۲	۵/۳	۱۴/۳	همسر نمی‌تواند تغییر کند
۵/۷	۱۸	۵/۳	۲۰	۵/۵	۱۶	کمال‌گرایی جنسی
۵	۱۹/۳	۵/۸	۱۹/۶	۳/۹	۱۹	زنان و مردان اساساً متفاوتند
۸/۸	۱۲/۳	۸/۸	۱۲/۷	۸/۹	۱۱/۸	سن ازدواج

برای بررسی رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه در ۳ مرحله از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. در مرحله نخست ضریب همبستگی بین متغیر رضایت‌مندی زناشویی (نمره کل تمام آزمودنی‌ها، زنان و مردان، در آزمون رضایت‌مندی زناشویی) با متغیرهای نگرش به ازدواج و پنج متغیر مربوط به باورهای ارتباطی اجرا شد. یافته‌های بدست آمده به این قرار است: ضریب همبستگی بین متغیر رضایت زناشویی و نگرش به ازدواج ۰/۲۴۹، بین رضایت زناشویی و متغیر ارتباطی ۱ (عدم توافق تخریب‌گر است ۰/۴۴-، رضایت زناشویی و متغیر ارتباطی ۲ (ذهن‌خوانی) ۰/۲۳-، باور ارتباطی ۳ (همسر نمی‌تواند تغییر کند) ۰/۵۹-، باور ارتباطی ۴ (کمال‌گرایی جنسی) ۰/۳۲- و باور ارتباطی ۵ (زن و مرد اساساً متفاوتند) ۰/۱۲۴-، بدست آمد.

بر همین اساس رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه به‌طور جداگانه برای زنان و مردان بررسی شد که در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: ضریب همبستگی متغیرها به تفکیک در گروه زنان و مردان

رضایت‌مندی زناشویی در کل نمونه	رضایت‌مندی زناشویی مردان	رضایت‌مندی زناشویی زنان	خرده مقیاس باورهای ارتباطی
-۰/۰۲۵*	-۰/۰۴۵	-۰/۰۱۷	نگرش به ازدواج
-۰/۴۴**	-۰/۴۲**	-۰/۵۳**	عدم توافق تخریب‌گرا
-۰/۲۳۵*	-۰/۱۲	-۰/۳۴**	ذهن‌خوانی
-۰/۵۹**	-۰/۵۸**	-۰/۶۰**	همسر نمی‌تواند تغییر کند
-۰/۳۲*	-۰/۲۵*	-۰/۳۴*	کمال‌گرایی جنسی
-۰/۱۲	-۰/۰۱۳	-۰/۴۰	زن و مرد اساساً متفاوتند

\*\* در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

\* در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

برای بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب رگرسیون خطی استفاده شد تا در وهله نخست مشخص شود که متغیرهای شناختی مورد مطالعه چند درصد واریانس رضایت‌مندی زناشویی را به‌طور پیش‌بینی می‌کنند، و در وهله دوم سهم هر یک از این متغیرها در این معادله چیست؟ از آنجایی که در پیشینه پژوهش در خصوص سهم این متغیرها چیزی بیان نشده است از رگرسیون خطی یا روش اینتر (Enter) استفاده شد. در روش اینتر تمام متغیرهایی که با متغیر وابسته همبستگی نشان داده‌اند را به‌طور هم‌زمان وارد معادله می‌کنیم و بدین وسیله سهم کل متغیرها را ابتدا با هم بدست آورده و سپس از روش رگرسیون سلسله مراتبی، استفاده شد.

جدول ۴: خلاصه مدل رگرسیون خطی برای ۶ عامل شناختی (به‌طور همزمان)

عوامل پیش‌بین	R	۲R	خطای معیار محاسبات	آماره تغییرات					
				۲R Chang	F Chang	درجه زادی	درجه آزادی	سطح معناداری	
عدم توافق تخریب‌گر است. ذهن خوانی.									
ان و مردان اساساً نفاوت‌اند.	۰/۶۶۴	۰/۴۴	۰/۱۹/۰۷	۰/۴۴۱	۰/۱۱/۵۴۱	۰/۶	۰/۸۸	۰/۰۰۰	
همسر نمی‌تواند تغییر کند. مال‌گرایی جنسی									

براساس جدول ۴ ضریب رگرسیون تمام متغیرهای شناختی ۰/۴۰۲ بدست آمده است. این بدین معناست که متغیرهای شناختی روی هم رفته ۴۰٪ واریانس‌های رضایت‌مندی را پیش‌بینی می‌کنند. سهم متغیرهای شناختی به تفکیک نیز به قرار زیر است: عدم توافق تخریب‌گر است ۰/۱۹، ذهن خوانی ۰/۰۱، همسر نمی‌تواند خود را تغییر دهد ۰/۲۳، کمال‌گرایی جنسی ۰، زن و مرد اساساً متفاوتند ۰/۰۱۵ و نگرش به ازدواج ۰/۰۰۲. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ۲ متغیر عدم توافق تخریب‌گر است و همسر نمی‌تواندن خود را تغییر دهد در واقع تمام واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند و متغیرهای شناختی دیگر سهم چندانی ندارند.

جدول ۵: خلاصه مدل رگرسیون سلسله مراتبی برای ۶ عامل شناختی به تفکیک

عوامل پیش‌بین	R	تغییرات	۲F	خطای معیار محاسبات	آماره تغییرات				
					R Square Chang	F Chang	درجه زادی	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	۰/۴۴۲	۰/۴۴۲	۰/۱۹	۰/۲۲/۲۵۷۲۹	۰/۱۹۵	۰/۲۲/۵۸۵	۰/۱	۰/۹۳	۰/۰۰۰
۲	۰/۴۴۳	۰/۰۰۱	۰/۱۹	۰/۲۲/۳۶۶۳۲	۰/۰۰۱	۰/۰۹۶	۰/۱	۰/۹۲	۰/۷۵۸
۳	۰/۶۵۱	۰/۲۰۸	۰/۴۲	۰/۱۹/۰۴۱۶۱	۰/۲۲۸	۰/۳۵/۹۳۲	۰/۱	۰/۹۱	۰/۰۰۰
۴	۰/۶۵۱	۰/۰۰۰	۰/۴۲	۰/۱۹/۱۴۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۱	۰/۹۰	۰/۹۳۱
۵	۰/۶۶۲	۰/۰۱۱	۰/۴۳	۰/۱۹/۰۰۰۴۸	۰/۰۱۵	۰/۲/۳۸۷	۰/۱	۰/۸۹	۰/۱۲۶
۶	۰/۶۶۴	۰/۰۰۲	۰/۴۴	۰/۱۹/۰۷۹۸۱	۰/۰۰۲	۰/۲۶۱	۰/۱	۰/۸۸	۰/۶۱۰

متغیرهای پیش‌بین که به ترتیب وارد معادله شده‌اند عبارتند از: مدل ۱: عدم توافق تخریب‌گر است. مدل ۲: عدم توافق تخریب‌گر است و ذهن خوانی. مدل ۳: عدم توافق تخریب‌گر است، ذهن خوانی و همسر نمی‌تواند تغییر کند. مدل ۴: عدم توافق تخریب‌گر است، ذهن خوانی، همسر نمی‌تواند تغییر کند و کمال‌گرایی جنسی. مدل ۵: عدم توافق تخریب‌گر است، ذهن خوانی، همسر نمی‌تواند تغییر کند، کمال‌گرایی جنسی و زنان و مردان اساساً متفاوت‌اند.



مدل ۶: عدم توافق تخریب‌گر است، ذهن‌خوانی، همسر نمی‌تواند تغییر کند، کمال‌گرایی جنسی، زنان و مردان اساساً متفاوت‌اند و انتظارات.

## بحث

همان‌طور که در جدول همبستگی مشاهده شد، رضایت‌مندی زناشویی با تمام متغیرهای شناختی مورد مطالعه همبستگی معناداری نشان داد. بدین معنی که عواملی چون باورهای غیرمنطقی به ازدواج (اسطوره‌ها و خیالبافی‌ها و سوءتفاهماتی که معمولاً در خصوص زندگی مشترک و ازدواج وجود دارند) و همچنین انتظارات یا نگرش‌های غیرواقع‌بینانه به ازدواج با رضایت‌مندی زناشویی همبستگی منفی دارد. هرچه میزان نگرش غیرواقع‌بینانه در فرد بیشتر باشد، رضایت‌مندی کمتری را نیز گزارش می‌کند.

بنابراین یافته‌های حاضر نشان می‌دهند که بین رضایت‌مندی زناشویی و باورهای ارتباطی زوجین رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌های این مطالعه در راستای مطالعه بردبوری و فینچام (۱۹۹۳) و ایدلسون و اپستین (۱۹۸۲) است و نشان می‌دهد که معیارها و مفروضه‌های غیرواقع‌بینانه با رضایت‌مندی زناشویی به‌طور معناداری رابطه دارند. همان‌طور که گفته شد، در این مطالعه از مقیاس باورهای ارتباطی استفاده شده است. این مقیاس سه باور اختصاصی: همسران نمی‌توانند تغییر کنند، تفاوت‌های ذاتی زن و مرد ریشه مشکلات زناشویی است و عدم توافق تخریب‌گر است را می‌سنجد. در مطالعه حاضر این یافته بدست آمده است که بین رضایت‌مندی زناشویی و این باور اختصاصی که «همسران نمی‌توانند تغییر کنند»، بالاترین رابطه همبستگی وجود دارد. همبستگی بین رضایت‌مندی زناشویی و باور «عدم توافق تخریب‌گر است» در مرحله دوم قرار دارد و باور سوم یعنی «زن و مرد اساساً متفاوتند» پایین‌ترین ضریب همبستگی را با رضایت‌مندی زناشویی نشان داده است. ضریب همبستگی بالا بین باور «همسران نمی‌توانند تغییر کنند» و رضایت‌مندی زناشویی این نکته مهم را خاطر نشان می‌سازد که اکثریت افراد بدون داشتن اطلاعات علمی کافی و بدون برخورداری از آموزش‌های لازم در خصوص رفتار آدمی و تحول شخصیت این باور سنتی را با خود حمل می‌کنند که ویژگی‌های رفتاری افراد ژنتیک و پایدار است و فرد همین است که هست. بنابراین اگر حتی خودش نیز بخواهد باز هم نمی‌تواند خود را تغییر دهد. شاید تفسیر این یافته‌ها را بتوان در چارچوب تئوری اسنادها جستجو کرد. بر اساس این تئوری افراد معمولاً در تفسیر رفتار و کردار همسران خود رفتارهای متناسب، مثبت و خوب آنان را موقتی، گاه‌گاهی و وابسته به موقعیت می‌پندارند، در حالی که رفتارهای نامطلوب و منفی او را خصلتی دائمی تفسیر می‌کنند. نکته قابل توجه و بسیار مهم‌تر در این‌جا حضور این باور خاص است که در شرایط نارضایت‌مندی زندگی زناشویی، این مشکلات وابسته

به همسر است که ایجاد تعارض و نارضایتی نموده و اوست که باید تغییر کند ولی متأسفانه اگر خواهد نیز نمی‌تواند. چنین برداشتی از ازدواج و رفتار آدمی، گزاره‌های درونی و خودگویی‌های کلامی افراد را به‌گونه‌ای ناسازگار و ناکنش‌ور تنظیم می‌کند. در واقع هیچ یک از همسران به این نکته کلیدی توجه نشان نمی‌دهند که هر دوی آن‌ها باید تغییر کنند و نه فقط همسر مورد اتهام. دیگر این که رفتار اکتسابی است و قابل تغییر.

حضور پر رنگ این باور در افراد ضمن تأیید فرضیه پژوهش این نکته را برای متخصصین بالینی، مشاوران و درمانگران روشن می‌سازد که اصلاح باورهای زوجین و تغییر ذهنیت نادرست و غیرمنطقی و دور از واقع باید در رأس طرح درمان قرار گیرد. نکته‌ای که ویلیام گلاسر (۲۰۰۰) در کاربرد تئوری انتخاب در زوج درمانی اشاره می‌کند، در اصلاح این باور غیرمنطقی افراد که «همسر نمی‌تواند تغییر کند» ضروری به نظر می‌رسد. گلاسر (۲۰۰۰) معتقد است آموزش تئوری انتخاب این نکته را برای همسران روشن می‌سازد که تغییر، شدنی و امکان‌پذیر است. تغییر امری شخصی است (هیچ کس نمی‌تواند کس دیگری را تغییر داده و یا او را مجبور به تغییر کند) و هر کس چنان‌چه بخواهد بداند چگونه و به خودش فرصت این کار را بدهد، می‌تواند تغییر کند. تغییر امری است تدریجی و سودمند.

یافته دیگر این پژوهش ضریب همبستگی پایین بین رضایت‌مندی زناشویی و این باور که «زن و مرد اساساً متفاوتند و این تفاوت ذاتی و عامل اصلی اختلاف زناشویی و نارضایت‌مندی است» می‌باشد. در مطالعه حاضر چنین به نظر می‌رسد که زنان و مردان ناخشنود بیشتر عامل نارضایت‌مندی خود را در عوامل دیگری غیر از اختلاف و تفاوت جنسی می‌بینند، بنابراین رابطه معنادار بالایی بین این دو متغیر یافت نشد. شاید یکی از دلایل چنین باوری این باشد که شرکت‌کنندگان این مطالعه غالباً از سطوح علمی بالایی برخوردار بوده (عمدتاً فارغ‌التحصیل دانشگاه و یا شاغل در تحصیلات تکمیلی) و در خصوص نقش جنسیت بر رفتارهای مطلوب/ نامطلوب اطلاعات بهتری دارند و یا شاید هم‌چنان که گریفین و همکاران (۱۹۹۶) گزارش نموده‌اند همسران رفتار، کردار و نگرش و طرز تلقی‌های همسران خود را بیشتر ناشی از خصوصیات شخصیتی آنان می‌دانند تا ویژگی‌های وابسته به جنسیت. یافته‌های این پژوهش نتایج مطالعات گریفین و همکاران را تا حدودی تأیید می‌کند.

اما نتیجه قابل توجه دیگری که در این مطالعه بدست آمد، حضور پر رنگ این باور است که «عدم توافق (یا اختلاف و یا تعارض) بین زوجین تخریب‌گر است». در مطالعه حاضر ضریب همبستگی بین این باور و رضایت‌مندی زناشویی ۰/۴۴ گزارش شده است. حضور چنین باوری همواره مخرب بوده و راه را بر سازگاری زناشویی عملاً خواهد بست. گاتمن (۲۰۰۰) در مطالعات طولی خود برای ۲۳ سال بر روی زوجین سازگار و ناسازگار به این نتیجه دست یافت که زوجین خشنود و سازگار نیز در

تعاملات خویش اختلاف، تعارض و عدم توافق‌های جدی را تجربه می‌کنند. اما زوجین سازگار توان و مهارت مذاکره، گفتگو و حل تعارض را بدست آورده‌اند. لذا داشتن چنین باوری که وجود اختلاف یا عدم توافق مخرب است باعث می‌شود که اختلاف طبیعی و عدم توافق‌های کاملاً معمول را به عنوان نوعی تنش، ناسازگاری و مشکل اساسی تلقی کرده و با تفسیرهای غیرمنطقی زمینه اجتناب از رویارویی با مشکل را فراهم سازد. همبستگی بالای این دو متغیر نشان می‌دهد که وقتی افراد با یکدیگر اختلاف پیدا می‌کنند این ذهنیت و نگرش در آن‌ها فعال می‌شود که ازدواج‌شان نارضايت‌مند است و ایرادی جدی به آن‌ها یا همسرشان وارد است. در حالی که می‌دانیم اختلاف و عدم توافق همواره در تمامی تعاملات انسانی وجود داشته و وجود خواهد داشت. بنابراین پذیرفتن این نکته و اصلاح این باور غلط باعث می‌شود که افراد بتوانند عدم توافق و مخالفت خود را با اعمال، کردار، تصمیمات، افکار و نگرش‌های همسر خود علناً و بدون احساس گناه یا هر نوع مضایقه اعلام کنند. چنین بیان صریحی بدون اعتقاد به این که رابطه را تخریب می‌سازد، باعث می‌شود که زوجین دیدگاه‌ها، سلیقه‌ها، خواست‌ها و نیازهای خود را به‌طور صریح، روشن و کاملاً صادقانه با یکدیگر در میان گذاشته و دیگری را نسبت به موضع خود در زندگی روشن نمایند. آن‌گاه طرف مقابل با دانش و اطلاعات درست (و نه حدس و گمان و پیش‌بینی) قادر است برای ارضاء نیازها و در نظر گرفتن دیدگاه‌های دیگری گام مؤثر بردارد. در حالی که وجود این باور که عدم توافق تخریب‌گر است می‌تواند بر رفتارهای مبتنی بر خود سانسوری، پوشاندن احساسات، اجتناب از رویارویی و در نهایت سوء تفاهمات بیشتر بین زوجین دامن بزند. نکته قابل توجه این است که افرادی که در این باور نمره بالاتری آورده‌اند، رضایت‌مندی زناشویی کمتری نیز گزارش نموده‌اند.

از دیگر یافته‌های اصلی این مطالعه رابطه بین میزان انتظارات غیرمنطقی زوجین از ازدواج (نگرش به ازدواج) و رضایت‌مندی زناشویی آنان است. یافته‌های پژوهش نشان داد که ضریب همبستگی بین این دو متغیر در جمعیت کل ۰/۲۵، در زنان ۰/۱۷ و در مردان ۰/۱۹ بدست آمده است. که از میان این یافته‌ها ضرایب همبستگی بدست آمده در گروه زنان و مردان اگرچه نسبتاً بالاست اما در سطح ۰/۵ معنادار نیست. این یافته‌ها توسط محاسبات مربوط به رگرسیون خطی و هم‌چنین رگرسیون سلسله مراتبی نیز مورد تأیید قرار گرفت. طبق یافته‌های جدول ۳ و ۴ اگرچه بین مقیاس رضایت‌مندی زناشویی و تمام متغیرهای شناختی مورد مطالعه همبستگی وجود داشت، اما چنین به نظر می‌رسد که این همبستگی ناشی از همبستگی درون متغیرها (همخوانی یا همسانی) بوده و رابطه معنادار مستقلی بین تک‌تک متغیرهای شناختی و رضایت‌مندی زناشویی یافت نشد. هم‌چنان که در جدول ۳ دیده شد تمام متغیرهای شناختی (باورهای غیرمنطقی و انتظارات غیرمنطقی) مجموعاً ۴۴٪ واریانس‌های مربوط به متغیر رضایت‌مندی زناشویی را برآورد و پیش‌بینی می‌کنند. اما همین که متغیرهای شناختی به تفکیک و با روش سلسله مراتبی وارد معادله

شدند، میزان برآورد هر کدام به صورت اختصاصی مشخص گردید. جدول ۴ نشان داد که از مجموع تمام متغیرهای شناختی متغیر «عدم توافق تخریب‌گر است» ۱۹٪ و «همسر نمی‌تواند تغییر کند» ۲۲٪ واریانس‌ها را پیش‌بینی کرده و دیگر متغیرها روی هم رفته کمتر از ۳٪ واریانس‌ها را پیش‌بینی می‌کنند (انتظار ذهن‌خوانی ۰/۰۰۱ کمال‌گرایی جنسی ۰/۰۰۰ زنان و مردان اساساً متفاوتند ۰/۰۱۵ و متغیر انتظارات غیرمنطقی ۰/۰۰۲).

این یافته‌ها مغایر و در جهت خلاف یافته‌های دیگران است. به عنوان مثال شیور و هازن (۱۹۸۸)، براشاو (۱۹۸۸) و الیس (۱۹۷۷) معتقدند که نگرش‌ها و تصورات غیرمنطقی افراد می‌تواند در ایجاد رابطه عاطفی ناکارآمد نقش به‌سزایی ایفا نماید. برنز (۱۹۹۷) و بک (۱۹۹۵) نیز ریشه بسیاری از سوءتفاهمات زندگی زناشویی را در اندیشه‌های تعصب‌آمیز و انتظارات غیرواقع‌بینانه از همسر می‌دانند. اما یافته‌های پژوهش حاضر چنین نشان می‌دهد که باورهای غیرمنطقی و مفروضه‌های غیرواقع‌بینانه (معیارها) نارضایت‌مندی زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند اما انتظارات و نگرش به ازدواج و زندگی زناشویی در رضایت‌مندی زناشویی نقشی ندارد. یکی از دلایل این یافته شاید به ساخت مقیاس مورد استفاده در این مطالعه برگردد. در مطالعه حاضر از آزمون نگرش به ازدواج دکتر صاحبی استفاده شده است. این آزمون از ده گویه تشکیل شده است که ده اسطوره یا سوءتفاهم در خصوص رابطه عاشقانه، صمیمیت و زندگی مشترک را مورد آزمون قرار می‌دهد. اگر چه اعتبار این آزمون قبلاً مورد بررسی قرار گرفته و ضریب آلفای ۰/۷۱ برای همسانی درونی آن محاسبه شده است، اما روایی دقیق آن با آزمون‌های موازی تاکنون انجام نگرفته است (به دلیل عدم وجود چنین آزمون مشابهی در پیشینه پژوهش) و روایی این آزمون تنها از طریق روایی صوری توسط ۳ روان‌شناس بالینی مورد تأیید قرار گرفته است (صاحبی، باب مونته گومی<sup>۹</sup> و لینت ایوانس<sup>۱۰</sup>).

شاید ساختار کنونی این آزمون قابلیت سنجش انتظارات و نگرش‌های غیرمعقول ولی رایج در خصوص ازدواج را ندارد. احتمال دیگر در این خصوص وضوح و مستقیم بودن پرسش‌های آزمون است. اما مونته‌گومی و ایوانس که برای سال‌ها وجود/عدم وجود چنین نگرشی در زوجین ناسازگار را با مؤلفه‌های موجود در این آزمون مورد بررسی قرار داده‌اند، گزارش می‌کنند که همسران ناسازگار که به کلینیک خانواده درمانی بیمارستان وست‌مید در طی ۲۷ سال مراجعه کرده‌اند، در خصوص نگرش به ازدواج و دارا بودن ذهنیتی اسطوره‌ای انتظارات غیرمنطقی مورد معاینه قرار می‌گرفتند و جالب آن‌که در وهله نخست تقریباً تمامی مراجعه‌کنندگان داشتن این‌گونه انتظارات را صریحاً رد می‌کردند، حال آن‌که در حین مصاحبه و ارزشیابی شکل ازدواج، در لابه‌لای گفتار، کلام و شکایات خود حضور این اسطوره‌ها/انتظارات به‌طور ضمنی (و نه آشکار) کاملاً محسوس بوده است. بنابراین یکی از دلایل عدم وجود رابطه بین متغیر نگرش غیرمعقول (انتظار غیرمنطقی) به ازدواج و

نارضایت‌مندی زناشویی در این مطالعه شاید سنجش آشکار این اسطوره‌ها و مقاومت طبیعی و واکنش اولیه افراد به این‌گونه تفکرات غیرمنطقی باشد. زیرا هیچ کس نمی‌خواهد غیرمنطقی و غیرمعقول به نظر برسد. چرا که مقبولیت و محبوبیت اجتماعی و خواسته‌های معقول و طرز تلقی منطقی از ویژگی‌هایی محسوب می‌شوند که هر کس در هر مقام و موقعیت و شرایطی می‌خواهد به آن منسوب باشد.

این پژوهش بر روی نمونه‌های ایرانی مقیم استرالیا و کانادا انجام گرفته است، لذا به دلیل حجم کوچک جامعه آماری امکان دسترسی به افراد بسیار دشوار بود. مطالعه‌ای با چندین متغیر شناختی مهم ضرورت دارد که با حجم نمونه‌ای بزرگتر انجام گیرد تا یافته‌ها از روایی بهتری برخوردار باشند. مشکل دیگر این پژوهش این بود که از نمونه در دسترس استفاده شد و لذا ویژگی‌های نمونه تصادفی در مورد یافته‌های این پژوهش صادق نبوده است. لذا تعمیم‌پذیری این یافته‌ها با احتیاط باید انجام گیرد. سوم آن‌که تمامی آزمون‌های به‌کار رفته در این مطالعه بر روی جمعیت ایرانی مقیم کشور اعتباریابی شده است که کاربرد آن بر روی نمونه ایرانیان مقیم خارج، به لحاظ ساختار زبانی و فهم زبان پویای فارسی قابل پرسش است.

#### یادداشت‌ها

1. Dyadic Adjustment Scale
2. Spanier
3. Dyadic Satisfaction
4. Dyadic Cohesion
5. Dyadic Consensus
6. Affectional expression
7. Reliability
8. Validity
9. Bob Montgomery
10. Lynette Evans

#### منابع

- بابازاده، سوسن؛ صاحبی، علی (۱۳۸۳). بررسی رابطه رضایت‌مندی زناشویی با سبک‌های دلبستگی. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- باقریان نژاد اصفهانی، زهرا؛ ثنائی، باقر؛ نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- برازنده، هدا؛ صاحبی، علی؛ امین یزدی، امیر (۱۳۸۴). تأثیر باورهای ارتباطی و طرح‌واره‌های ناکارآمد اولیه بر سطح سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا؛ ایروانی، محمد (۱۳۸۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیزم‌های دفاعی. مجله روان‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- بنی‌اسدی شهر بابک، حسن؛ هاشمیان، کیانوش (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه عوامل مؤثر اجتماعی - فردی و شخصیتی در زوج‌های سازگار و زوج‌های ناسازگار در شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

- بروین، کریس. ر (۱۳۷۶). *بنیادهای شناختی روان‌شناسی بالینی*، ترجمه ترجمه علیلو و همکاران. تبریز: نشر روان پویا.
- ثناپی، باقر (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: نشر بعثت.
- حجازی، قدسیه (۱۳۵۸). *ازدواج در اسلام*. چاپ دوم. نشریه مرکز تحقیقات حقوقی قدسی.
- خدانهای، محمد کریم؛ منصور، محمد (۱۳۷۴). *بررسی نقش تهییج‌طلبی در تحکیم روابط زناشویی*. پایان‌نامه دکترای دانشگاه تربیت مدرس.
- دلور، علی (۱۳۷۹). *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*. تهران: نشر ویرایش.
- دهقان، فاطمه؛ ثنایی ذاکر، باقر؛ نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۸۰). *مقایسه تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه‌کننده برای مشاوره زناشویی (غیرمتقاضی طلاق)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- سالاری، ملیحه؛ صاحبی، علی (۱۳۸۳). *بررسی رابطه بین تطبیق "نیازهای بنیادین" زوجین و میزان رضایت از ازدواج در زوج‌های ساکن در شهر مشهد*. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۷۹). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: نشر آگاه.
- ستوده، هدایت (۱۳۷۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات نور.
- سلیمانیان، علی‌اکبر؛ نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۳). *بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی (براساس رویکرد شناختی) بر ناراضی‌های زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- صاحبی، علی (۱۳۸۳). *روش تحقیق در روان‌شناسی بالینی*. تهران: سمت.
- صدق آمیز، خدیجه؛ احمدی، حبیب (۱۳۷۶). *بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی در شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- صیادپور، زهره (۱۳۸۱). *ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- صیادپور، ز (۱۳۸۳). *بررسی تأثیر میزان آشنایی پیش از ازدواج بر میزان رضایت از ازدواج به منظور ارائه راهبردهای مؤثر در کاهش نرخ طلاق در دانشجویان دانشگاه آزاد. معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی دفتر مطالعات و تحقیقات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب*.
- عرفانی‌اکبری، معصومه؛ سوسن، سیف (۱۳۷۸). *بررسی مشکلات مربوط به صمیمیت زوجین و تأثیر ارتباط درمانی زوجین بر آن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- کلارک، دیوید م؛ فربون، کریستوفر ج (۱۳۸۰). *دانش و روش‌های کاربردی رفتار درمانی شناختی*. ترجمه حسین کاویانی، تهران: مؤسسه علوم شناختی.
- گلشن، صیاد؛ جهانفر، محمد (۱۳۷۲). *بررسی طلاق و عوامل اجتماعی - جمعیت‌شناختی مؤثر بر آن در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۶۴ در شهرستان خوی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- منصور، دادستان (۱۳۷۶). *روان‌شناسی ژنتیک ۲*. انتشارات رشد.
- ملازاده، جواد؛ دادستان، پریخ (۱۳۷۲). *بررسی ویژگی‌های شخصیتی در رابطه با عوامل تنیدگی‌زای زناشویی در زوج‌های در حال طلاق و سازگار*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ملازاده، علیرضا (۱۳۷۶). *عوامل شادکامی و موفقیت در زندگی زناشویی*. نشریه ماهانه آموزشی تربیتی پیوند.

مظاهری، محمدعلی (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنش‌وری در ازدواج. *مجله روانشناسی، سال چهارم، شماره ۱۵*.

موسوی، رقیه؛ ولی‌الله، فرزاد (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان، کارگران شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

مه پویان، ابوالقاسم؛ رودلف، ژاکلین (طوبی) (۱۳۵۴). بررسی عوامل اجتماعی در افزایش طلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

یانگ، جفری (۱۳۸۴). شناخت‌درمانی برای اختلالات شخصیت: رویکرد متمرکز بر طرحواره. ترجمه علی صاحبی و حسن حمیدپور، تهران: انتشارات ارجمند.

Antil, J. K. & Cotton, S. (1988). Factor affecting the division of labor in households. *Journal of Sex Role, 18(9-10)*, 531-553.

Baucom, Donald H., Epstein Norman 2D, Sayer, Steven & Sher, Tamara. (1989). The role of cognitions in marital relationships: definitional, methodological and conceptual issues. *Journal of consulting and clinical Psychology, 57(1)*, 31-38.

Baucom, Donald H., Epstein, Norman., Daiuto, Anthony D. Carels, Robert A., Rankin, Lynn A. & Burnett Charles K. (1996). Cognitions in Marriage: The Relationship Between Standards and Attributions. *Journal of family psychology, 10(2)*, 209-222.

Baucom, Donald H. & Epstein Norman & Rankin, Lynn A. & Burnett Charles K. (1996). Assessing Relationship Standards: The Inventory of Specific Relationship Standards *Journal of family psychology, 10(1)*, 72-88.

Bradbury, Thomas. N & Fincham, Frank D. (1993). Assessing dysfunctional cognition in marriage. *Psychological Assessment, 5(1)*, 92-101.

Brennen, B. H. (2004). Handling marital conflict. Seminar Handout. *Sounds of Encouragement (Seminar), 12*, 121-126.

Carr, A. (1999). *The handbook of child and adolescent clinical psychology: A contextual approach*. New York: Routledge.

De Angelis, T. (2004). The question of marriage and community well-being. *Monitor on Psychology, APA. 35(8)*, 38.

Duvall, E. M., Miller, B. C. (1985). *Marriage and family development, 6th ed*. New York: Harper & Row.

Epstein, Norman B., Chen, Fuguo, Beyder-Kamjoui, Irina, Jan (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of Marital and Family Therapy*.

Fincham, Frank D., Harold, Gordon T. & Gano-Phillips, Susan. (2000). The longitudinal association between attributions and marital satisfaction: Direction of Effects and Role of efficacy expectations. *Journal of Family Psychology, 14(2)*, 267-285.

Fincham, Frank D., Garnier, Philip C., Gano-Phillips, Susan & Osborne, Lori N. (1995). Preinteraction expectations, marital satisfaction and accessibility. *Journal of Family Psychology, 9(1)*, 3-14.

Fincham, Frank D., Bradbury, Thomas N. Beach, Steven R. H. (1990). To arrive where we began: A reappraisal of cognition in marriage and marital therapy. *Journal of Family Psychology, 4(2)*, 167-184.

Finkenauer, C. & Hazan H. (2000). Disclosure and secrecy in marriage: Do both contribute to marital satisfaction? *Journal of Social and Personal Relationships, 17*, 256-259.

- Fournier, D. G. & Olson, D. H. (1986). Program for premarital and newlywed couples. In R. F. Levant (Ed.), *Psychoeducational approaches to family therapy and counseling*, (194-231). New York: Springer.
- Fournier, D. G. Olson, D. H. & Druckman, J. M. (1983). Assessing marital and premarital relationships: The Prepare/Enrich Inventories. In E. E. Filsinger (Ed.), *Marriage and family assessment*, (229-250). Newbury, CA: Sage Publishing.
- Fowers, B. J. & Olson, D. H. (1986). Predicting marital success with Prepare; A predictive validity study. *Journal of Marital and Family*, 12, 403-413.
- Garcia, S. D. (1999). Perception of Hispanic and African American couples at the friendship or engagement stage of a relationship. *Journal of Social and Personal Relationships*. 16, 105-109.
- Gottman, John Mordechai .(1993). A Theory of Marital Dissolution and Stability. *Journal of Family Psychology*, 7(1), 57-75.
- Hawley, D. R. & Olson, D. H. (1995). Enriching newlyweds: An evaluation of three enrichment programs. *The American Journal of family Therapy*, 23, 2.
- Hurley, J. P. (1996). Correlates of life satisfaction in traditional woman in long-term marriage. *Dissertation Abstracts International: Section B: the Sciences and Engineering*, 56(10-B) 5835.
- Karney, Benjamin R. & Bradbury, Thomas N. (1995). The Longitudinal Course of Marital Quality and Stability: A Review of Theory, Method, and Research. *Psychological Bulletin*. 118(1), 3-34.
- Lavee, Y. & Olson, D. H. (1993). Seven types of marriage: Empirical typology based on Enrich. *Journal of Marital and Family Therapy*. 19(4), 325-340.
- Olson, D. H., Cubbin, H. I., Barenes, H. L., Larsen, A. S., Muxen, M. J. & Wilson, M. A. (1983). *Families: What makes them work*. Beverly Hills, C.A.: Sage Publications.
- Pradhan, M. & Misra, N. (1995). Spouse support and quality of marital relationships as correlates of stress. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 21(1), 43-50.
- Rosenbaum, E. & Gilbertson, G. (1995). The stability of cohabitation relationships: The role of children. *Journal of Marriage and the Family*, 17, 231-236.
- Sokolski, D. M. (1996). Student marriage: A study of marital satisfaction in graduate. *Dissertation Abstracts International: Section - B: The Science and Engineering*, 56(8-B), 4645.
- Whisman, M. A., Uebelacker, L. A. & Weinstock L. M. (2004). Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72(5), 830-838.
- White, L. & Peterson, D. (1996). Cohabitation and divorce in Canada: Testing the selectivity hypothesis. *Journal of Marriage and Family*, 18, 421-427.